

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب
مؤلف
مترجم
شماره قفسه ۱۶۳۶۲

جمهوری اسلامی ایران
شماره ثبت کتاب ۲۰۷۶۲۷

١٩٤٦
٥٤٣٦١
٠٧٩٥٧



نسخه کتب معتبره در علم نجوم و کائنات از ابن سینا
بزرگوار و جادو با تمام کتب معتبره در علم نجوم و کائنات از ابن سینا
بزرگوار

سوم در علم الکیمیا

برای آنکه از ذرات ریزه نشسته در ارض علم رسی حضرت دانیال علیه السلام است
بر موضوع رسی نقطه است و چون علم رسی متعلق به عالم کون
و فضا است و این مرکب از عنصر زهره است لهذا اولاً چهار نقطه زهره
که اولاً این است: در نقطه را عنصر زهره نشسته نشسته
و نقطه را با هم در آب و چهارم را خاک نام نهادند و نقطه را
یک نقطه را در نقطه است و چهارم را خاک نام نهادند و نقطه را
چون بخود تغییر کنند رسی باشد و چون هر یک از این نقاط
در رسی را نشسته کردند رسی نشسته است پس اولاً طرف اول و دوم
که در هر دو نقطه نام نهادند و نموده شد و در هر دو رسی را حوا
و عنصر کبر نام نهادند که نموده شد و در هر دو رسی را حوا
بر کب و متخرج نموده شد و شکل را در هر دو رسی را حوا

در رسی

و در رسی را در رسی است آنچه نشسته در رسی است هر دو رسی رسی
و رسی چهار رسی و رسی حضرت دانیال علیه السلام و رسی
علم این رسی است که در رسی است و در رسی است که در رسی است
محقق هر رسی در رسی است و در رسی است که در رسی است
در رسی رسی که نموده شد است و در رسی است که در رسی است
با ترتیب ذکر خواهد شد و در رسی است که در رسی است که در رسی
هر شکل که باشد در رسی است که در رسی است که در رسی است
در رسی است که در رسی است که در رسی است که در رسی است
در رسی است که در رسی است که در رسی است که در رسی است

اشكال بر قاعده ابداع بن ترتیب الحیان حیمه
نصرة الخاج بیاض قبض الخاج اجتماع عبثه خاج
انکیس عقیله قبض الداخل مزج نصرة الداخل

فنی لحد عینه خیل طریقت جماعت

فایده طبیعت در کرم و خشک در آب سرد و در آب سرد و در آب سرد
 و خشک است در شکل و شکل شربت در آب سرد و در آب سرد است

و در آب سرد و در آب سرد و در آب سرد و در آب سرد
 و در آب سرد و در آب سرد و در آب سرد و در آب سرد

و در آب سرد و در آب سرد و در آب سرد و در آب سرد
 و در آب سرد و در آب سرد و در آب سرد و در آب سرد

و در آب سرد و در آب سرد و در آب سرد و در آب سرد
 و در آب سرد و در آب سرد و در آب سرد و در آب سرد

و در آب سرد و در آب سرد و در آب سرد و در آب سرد

و در آب سرد و در آب سرد و در آب سرد و در آب سرد

در آب سرد و در آب سرد و در آب سرد و در آب سرد

و در آب سرد و در آب سرد و در آب سرد و در آب سرد
 و در آب سرد و در آب سرد و در آب سرد و در آب سرد

و در آب سرد و در آب سرد و در آب سرد و در آب سرد
 و در آب سرد و در آب سرد و در آب سرد و در آب سرد

و در آب سرد و در آب سرد و در آب سرد و در آب سرد
 و در آب سرد و در آب سرد و در آب سرد و در آب سرد

و در آب سرد و در آب سرد و در آب سرد و در آب سرد
 و در آب سرد و در آب سرد و در آب سرد و در آب سرد

سطلق نه حرم روج الروح که مدد بر سه و مدد عشر آن روح

شرفیه و این شکل باید بعد است

سیم روح الفوت آن است که مدد بر سه آن روح

و مدد عشر آن فرادیه شرفیه و اینها را محتاج

گویند نیز مصادق صادق و بالازب لایب شرفیه چهارم

فردا روح که بر سه آن فرد و عشر آن روح است شرفیه

و اینها را لایب سطلق دانسته

فایده شکل عا کانه چهار قسم است اول خارج که بر سه

نار آن فرد و بر سه خاک آن روح است

حرم دهنر عکس خارج است

نقشب که بر سه نار و خاک هر فرد باشد

چهارم ثابت عکس نقشب

فایده

در مدد عشر هم در چهارم کاشته شده که مدد عشر هم در شرفیه و مدد عشر هم در لایب

فایده هر شکل که در خانه شرفیه باید قوت و شرف شرفیه

شرفیه در خانه اول و در خانه حرم و خانه ششم هر شکل

خانه و بال و کلبت او است شرفیه ششم و بال و خانه

اخرم و بال است و کلبا با بال شکل فایده خانه

اکثر را هفت قوت است قوت حیوانیه قوت

غضبیه قوت نفسیه قوت طبیعی قوت ثنوانیه

قوت حافظه و قوت ماسکه و درین قوا رسیده هر یک را

سه حالت بود اول ابدال حرم از شرط هم لغوی شکل

است باین ترتیب قوت حیوانیه قوت غضبیه

قوت نفسیه قوت طبیعی قوت ثنوانیه قوت حافظه

قوت ماسکه و با بال شکل باعتبار عشر شریف باشد باین

سنت شریف است و در شریف و در شریف

در مدد عشر شرفیه

و در شریک و در شریک و در شریک و در شریک
 شریک است ای طرف برتبه عقد کفر و کفر و صحت برتبه
 نفس کفر و حرمت است که شکل ۱۴ کانه زراعتا متولد شده در
 عناصر شریک نه و گویند معتدل ترین شکل است که قوت
 ان بجهت اتم است ای قوت بجهت درجه افراط و قوت
 بجهت درجه تقوی است اگر لب عفت و در سائ و نیکی
 نامر و صحت اخذ طلب کند ز قوت اتم ال به باشد
 و اگر جاهد و ای و ایاب و منور طلب نام ز قوت افراط
 بجهت باید کند و اگر بزرگ و کینه و قهر طلب کند ز قوت تقوی
 است نایده گویند هر شکل را ز دره وسیع که با
 ضد خود بر نایند که طرف صفت برتبه جلالت شریک
 و در شکل ۱۵ با هم خود صفت نایند که بجهت صفت
 برتبه عشرت است و در شکل ۱۶ با هم خود صفت کنند

۱۰۱۱
 ۱۰۱۱

۱۰۱۱
 ۱۰۱۱

که بجهت صفت برتبه است و در شکل ۱۷ که با هم خود صفت
 نایند که بجهت صفت برتبه اوست شریک و در شکل
 که با هم خود صفت نایند شکل ۱۸ صفت برتبه عشرت اوست
 و در شکل ۱۹ که با هم خود صفت کنند شکل ۲۰ صفت برتبه است
 اوست نایده شکل ۲۱ صفت برتبه تمام باشد
 و شکل ۲۲ صفت برتبه افراط و شکل ۲۳ صفت برتبه تقوی
 و شکل ۲۴ صفت برتبه ناقص نه همیشه طالب شکل ۲۵ صفت برتبه
 و شکل ۲۶ صفت برتبه است بجهت بجهت و شکل
 صفت برتبه است و شکل ۲۷ صفت برتبه است بجهت بجهت
 و شکل ۲۸ صفت برتبه است و شکل ۲۹ صفت برتبه است
 و شکل ۳۰ صفت برتبه است و در شکل ۳۱ صفت برتبه است
 و در شکل ۳۲ صفت برتبه است بجهت بجهت و در شکل ۳۳ صفت برتبه است

این در شکر هر یک یک دینار تمام است و در شکر در چهار
پنجاه و سارست این در شکر هر یک پنج دینار است و در شکر
شکر شکر شکر است از شکر شکر شکر شکر شکر شکر شکر
پنجاه و در چهار شکر پنجاه و سارست در چهار شکر
انگشت است و در شکر پنجاه و سارست در شکر متوسط
دو حون سارستان و در شکر سارستان در شکر سارستان
تین و شرح تفسیر و در شکر سارستان در چهار شکر
نایده هر شکر که در شکر واقع شود اولاً من شکر است
چون صاحب خانه من کند شکر در شکر شرح من کند
و چون غرض آب شرح را بکشند یا بپزند شکر در شکر
شکر اولاً تفسیر من است و چون غرض آب من است
سازند یا بکشند شکر در شکر یا در شکر شکر شکر
شکر

در این عمل شکر

در شکر آب اولاً من کند چون بطریق که صاحب خانه من است
ضرب نمایند در شکر شکر از شکر شکر و آب ان است
چون بکشند در شکر تفسیر گویند و غرض آب که من است
است سازند در شکر یا در شکر شکر در شکر در شکر
و حرکت من گویند و در شکر در شکر شکر شکر
و سارستان تفسیر در شکر را در شکر تفسیر گویند

در این عمل شکر

نایده هر شکر را شکر است شکر است شکر است را غرض شکر
در شکر و غرض شکر را در شکر است شکر است
در شکر شکر است شکر است شکر است شکر است
که شکر است فایده بعضی شکر است هر شکر که در خانه
اولاً من باید صاحب خانه ضرب نماید شکر در شکر
نمایند و بعضی شکر است که هر شکر را در خانه شکر است

ضرب پانزده در بیخه هکسال حکم کنند ^{فایده در حکم هکسال نوشته اند}
 اگر هکسال بشود در خانه بشیر بماند و پس بر خود خوشایند در آمدن حاجات
 و اگر هکسال با هر در خانه بشیر در آمد و پس در شهرت و عفت و
 خبر با صدق باشد و اگر هکسال آید در خانه آید لید از زمان
 در حسن و عیال نفع و فرزند و اگر هکسال خاک در خانه
 آید عاقبت بمراد خود رسد ^{فایده بوضوح است}
 هر شکل زان که از خانه نفع طبع کند تا چهار خانه نفع در آن باشد
 مایه شمال در نوح تا اشد مایه جنوب در نوح تا اول زده
 مایه جنوب در نوح تا نوزده مایه شرق تا بیست و پنج
 در مایه جنوب و نوح تا اشد
 منزله هکسال بر سیم نوزده در نوح در کتاب مدخل و کتاب
 زنده آمدن در نوح از این ذکر کرده اند ^{در بعضی نسخ}

عنه بجان کوبند

چنان زانند فصل کند ^{سده و خارج ناز و شسته و سده ناز}
 بیشتر در قوس طبیعت گرم خشک و مذکر و مال بر علم دین و فصاحت
 و محنت و بد ذکا زد و سفید و طبع شریف و سه ناز و زر و مهر و زر
 دشته دشته و گلنگ و بزرگ و همان و خرد و باور شهر
 و نام بلند و کار و در دسه دشته رصفان و قوط شهر حرج در اول
 الف و فا و ز در حیات ۲۹ و بر خوش و سرعت و جد و حیات
 بلند و یوم چشمه و در بزرگ ریش و عدد صغیر آن یک و عدد کبیر آن
 که عدد کبیر آن کنند ۲۹ و در تفاح آن ۱۳ و در اربع خانه اول
 شرف و نیفا در اول سکن و حد در حرم عدد در ۱۱ نوزج
 در ۱ و ۱۱ شد عدد ۱۱ است هکسال از آهام و مهر و سنن طولند
 بعد نوشته شد $۲ \text{ حـ مـ رة } ۲$ زانند سطر یک
 گویند نوح و ثابت با در و شمال بقوله غریبه و حیوانه منون عجب

کتاب نجوم ...
 در زمین ...
 در زمین ...
 در زمین ...

برج صحر طبعیت گرم در اولت در رد بر آت جوب در عوا ذخون زین
 دفته دنگ و شر و بزنگ سرخ و طبع تلخ در شش ترین و ما حریب آن
 دس و عقیق و جوب خشت و کین و خوک و کرک و زراغ و سینه و لوزون
 و تبریز در دوشم و مردمانه قد زرد کوه منتر و ماه ترال و لغول
 رصفان و سلطان عرب و اشتر در جردن است با و صلا و لوم کله
 و شب شنبه و عدد صغیر آن ۳ و عدد کسر آن ۳۸ و اقطاب آن
 ۱۲ در زرجات ۲۶ در رخانه ۲ شرف در رخانه ۳ حد
 در ۷ عدد در ۸ سکن در ۱۳ وجه در ۳ و ۴ شسته در
 ۳۰ نضرة انجیر زبانه تشبیه گویند سعد و خارج
 و شرفه سندنه منوب چاب و برج سه طبعیت گرم و خشک و کرک
 دولت بر سعت و غنث و جاده بزرگ و سرد در و زنگ سرخ در د
 و سفینه و طبع شریک کردن این که با دوز در در و پیر در
 دایب و پیر و قمر و سبب و شمشیر و سلطان عرب و قصر سلفین
 و شنبه

و شب سخت در زنگینه و شب خسته و ماه صفر و لغول ماه محرم و در جردن
 جیم و قاف در زرجات ۱۶ و عدد صغیر آن ۳۰ و عدد کسر آن ۲۷
 در لغاخ آن ۱۱ در رخانه ۳ شرف در رخانه اول وجه در رخانه
 در رخانه ۹ عدد در ۱۰ سکن در ۱۳ شسته در
 ۳۰ بیاض زبانه این گویند سعد و ثبات آینه نباته
 منوب لغتس در برج سرطان در طبعیت سرد و تر و شرف و دولت
 در در بر مردم سفید لوت مایه قد پیوسته آرد و بزنگ سفید
 و طبع شور و تر و لغت و حرکت و سفر و عوام نهار و سلطان در
 چب این و قلع و عقیق سفید و کوه دریم و شخ و کوه و کوه
 و موزه تر و در سلطان خانه و این و تب یک لوز و باغ و قصر
 و حصار در زرجات و شب جمعه و ماه محرم و لغول ماه ربيع چهارم در ز
 حروفات حرفت و ال در زرجات ۲۶ عدد صغیر آن

چهار عدد کبیر آن ۲۶ و کلاط آن ده
۵ پنجه قبض

انار زنده شکر کوبیده خسر و خایج ناز و سندنه و شترقه منسوب

بر خرد و بوقلمون منسوب بر لیس و بویج دلو و طبیعت مذکر و گرم و خشک است

درود بر نیک تیره و طعم میخ و بد بود و مردم به ثبات و خنک خوردن

آن را با کینه و کلونج و استخوان و ابلیس در یک و خرد و کلاط

در مرغ سحر و خیار و سلطان زرنه و خراپات در فام و کمان

زانه و زرد خندان حرف با دشمن دروم چهارشنبه و ماه شمال در روزها

۲۵ عدد صغیر آن ۵ و عدد کبیر شتر ۲۵ و در ارتفاع آن ۹

در رخانه ۵ شرف در رخانه ۳ سکن در ۱۲ صد و ۱۴ عدد در ۱۵

دوم در ۴ و ۹ شده در ۶ ع پنجه جماع نوبت

گتسان کوبیده منسوب بر عطر و سده و خسر و ثبات و نقیب تمیخ
از ناز و شکر و طبیعت مذکر است با دروغ و غلبه و جملات

بسته نازک و کبیر نازک

و بویج جزا اولت درود بر سخنان و محسان و طهارت در یک نفس و بویج

دشمن و میخ و سینه آن و مردم با لاله قد با رنگ انولم و کسند کون

و سندان درود و کجاست دست و کلا و در مرغ خایج و زانه و در سلطان

صفت خانه و طاق خانه و خانه نقشر و نقاش و کمند درود

شست دروم چهارشنبه شب تحفه و ماه نر ایچ و زرد خندان داد

دما و زرد خندان ۱۲ عدد و صغیر آن ۶ و عدد کبیر شتر ۲۵

و کلاط آن ۸ در خانه ۶ شرف در ۵ صد و ۱۱ عدد در ۱۵

سکن و صد در ۲ شده در ۶ ع پنجه خایج

یونانه زکره کوبیده خسر و خایج ناز و سندنه و شترقه منسوب

ذنب و بویج صمد اولت درود بر مردم زلزله و لوله و شتر درود

دکله آب و خنک و فتنه و لقب و طبیعت مذکر و خنک و نذر
در نیک سیه و طعم میخ و در برف آن در آب و سفال

و چشم و چوب خشک در سلطان بیابان و غردنور و کلغ
 و غوزه و در خانه دیخ دت مردم کرده المنظر و کوه
 سه در که چشم و عینه قات و ماه شوال در دره در دره
 حرف زاده و در دره قات ۲۱ و عدد صغیر آن ۲ و عدد
 بکسر آن ۳ و هفت ارتفاع دارد در خانه ۷
 در ۶ عدد در ۱ حد و ۱۳ سکن در ۶ ادمه در ۳ و ۲
 شده در ۱ اکتیس یونان سکون کونین
 خرد و خرد خانه و چوب و دکانه منوب زهر و برنج جدر
 طریقت تونش و کسر و خشک دلالت بر عمارت
 در عمت و دهقان مردم به صبر و عینه قات و سیاه
 چوده و زشت اور و معبود پسر و پسر فن و سیاه سطل
 و طعم ترش و پسر است نمان و آه و شبنم و کوه
 در خج نبات

در خج نبات و خرد و خرد و مرغاب و چغندر و سنگ در دره
 در دره شسته و شسته در ماه رجب و از خردنات حرف
 حرف و عدد صغیر آن ۱ و عدد کسر آن ۲ و کلمات
 آن ۶ در خانه ۱ شرف ابع و شرف عدد در ۲
 و ۲ سکن در ۹ و در ۱۱ مثله در
 ۹ عقه یونان شاف کونین خرد و شفت خانه
 چوب منوب زهر و برنج و لوبت در طریقت تونش
 و خشک و دلالت بر عقه در لط و سحر و مردم ترش
 و کوناه قات و خشک اور و سیاه حوده و زک شام در نیا
 سیاه درخ و طعم شور ترش و دست چوب نمان و آه و شبنم
 و مور و چشم و عله و در و کونین کوه و شمال و کوه
 سلطان تمام و صفت زهد و جان و نزه دست و در طوبت
 در رسته و شسته در ماه شبنم و از خردنات حرف

ط و ذال و زر زجبات ۲۱ و عدد صغیر آن ۹ و عدد کبیر آن ۳۰

۲۱ و کخط ط آن ۵۵ و در فاشه ۹ شرف در ر ع سکن و در ۱

عدد در ر ع ۱۴ حد در ر ۱۵ ششده در ر

۱۰ بقض الفس یوانه الکتوش کونند سعد و در فاشه
چونکه کانه منوب با قاف و بر ج اسه در ر ع سکت شرف و کسره

و شملک و دلالت در د ر موک و کالار و زرگان و کار دله

بازند در دم کسندم کون و میانه قد در د در در زنگه نصیه

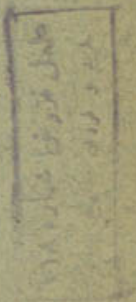
و طعم شیرین و وزن ثقل و عزت و عشر کالار نه و ران

ر است آن و فضته و لعل و شک و پنبه و زشته و آب

و جوش در هزار و تمان و زر نموه به و زر سلمان مسجد و جاب

خوشتر و سپر و درو زانو و در عودات حرف خاک و یا در دوز

یکشنبه و شب عجمه و ماه جمهره و الفقه و زر زجبات ۱۴ عدد
صغیر آن



صغیر آن ۱۰ و عدد کبیر آن ۲۰ و کخط ط آن ۴ و در فاشه ۹

شرف در ر ۳ سکن و در ۱۵ حد در ر ع ۱۴ عدد در ر ع ۲۸

شده در ر ۱۱ بقض یوانه کوچ کونند سعد و

با در غنیه حیوانه منوب بزهره و بر ج نهران و در طبعیت کرم و

و مذاکر و دلالت بر عشق با نر دله و لیب و طرب و فرزند

و مردم میانه قد و اورد در کوبج چهره و در شرف و زنگه در د

و نصیه و طعم شیرین و در شرف راست آن و وقع در زنده و در شرف

و شاخ بزم و مرغ و آب و بزمنه و مبلر و فوا و باغ و باغچه

و خنجر و در دسینه زر کلام و در زخمه با در کسره و شرف شسته

و ماه برع الاخر و زر عودات کاف و ط و زر زجبات ۱۹

و عدد صغیر آن ۱۱ و کبیر آن ۱۹ و کخط ط آن ۳ در ۱۱

شرف و در فاشه اول عدد در ر ۵ سکن و در ۹ حد در ر ۴

جمع در ر ۲۶ ششده در ر ۱۲

نصرت الله من برهانه اجدید گویند سید و فضل آیه و شماله بنامه مغرب
 بیشتر در برج حوت است طبعیست سرد و تر و ثمرش دلت در در
 بر عسل و زرد و آتش و دلد باء و طعم ترش در رنگ زرد در رنگ آبی
 در زمان کن قصر بلند در بوستان و مدرسه و صخره خانه مردم خوب
 او در میان قامت و یا قوت و غنیمت و سیاه و کله و او در آن
 و استر در ماه و تیز و کله و دیگر در در زمار در روز چشمه
 و شب در شسته و ماه در لعمده و زرد در حوت حرف لام و غین
 و عدد صغیران ۱۳ و عدد کبیران ۱۸ و کلمات آن ۲

در ۱۲ شرف ایح و شرف عدد و شرف وجه در ۵ عدد در ۱۱
 سخن در ۱۰ و ۱۴ شسته در در

۱۳ پ نقره ای برهانه از ضاع گویند و شرف و مغرب آیه و بنامه
 شماله مغرب در برج عقرب طبعیست سرد و تر و ثمرش
 در آن تا اهل را گویند

در دلت در در

دلت در در مردم مایه قد و امر و شرف و شرف در برج هر سه
 چشم و شرف و کله و جنگ و ترش و طعم ترش و در رنگ زرد
 و شرف و خوف و ترس و آب روان و بوستان و خوشتر است آن
 در میان و سینه او در ششم و حیوان در نده و کور و کله و در
 در میوه زرد و در مرض خون رنگ از ششم در در شسته و شب شسته
 و ۵ جمل الی در زرد حوت با ویم و عدد صغیران ۱۳ و عدد
 ۱۷ و کلمات آن یک در ۱۳ شرف ایح در ۵ عدد در ۱۱
 عدد در ۱۳ سخن در ۱۴ وجه در ۲ و ۹ شسته در در

۱۴ پ عتبه و فضل برهانه قائمه گویند سید و فضل با بر و غریبه
 و حیوانه مغرب برهانه در برج ثور است طبعیست گرم و تر و ثمرش
 دلت در در مردم خوب است و کله در شرف و شرف و شرف و بلند
 قات و بوستان با شرف و رنگ سفید و طعم ترش و گویند و نقره

و غیره در درجه سلطان و این خانه در هر روز که سفید در ماه رخساره
 و انور در درجه نهر و زمین در درجه روز جمعه و شب در شب
 ماه ربیع الاول در حرقات حرف نون و حرف ثرا و بعد از
 آن ۱۴ عدد کسیران ۱۶ و کلماتها در خانه ۱۴ شرف در
 عدد ده و در ۲ حد در ۱۴ کس و در ۴ حد ۱۴ شنه
 ۱۵ : طریق زیاده ابرید کنید بعد و عقب آید
 شانه منسوب بقسم و برج سرطان در قسمت سرد و در وقت
 دلات در درجه بر آب روان و سیر مردم بد که کور و جنبش
 و جنبه قامت و خندان روز و بار یک کردن و طعم شور و شیرین
 و شکر آن و نقره در یک بیابان و حرمها در قیمت درخت
 به بر و طایفه عرب و کوفه و اهر و کوفه و کوفه و کوفه و در راه
 کوز و تیر و در درجه دگر در درجه شنه و شب جمعه و ماه محرم
 در حرقات

در حرقات حرف بین و حیم و عدد صفر آن ۱۵ و عدد کسیران
 بیف ۱۵ و کلمات آن بیف ۱۵ در خانه ۱۵ شرف اربع و شرف
 عدد در ۲ حد و در ۴ کس و در ۵ شنه در
 ۱۶ : جماعت زیاده اراد کنید و بعد از آن در خانه و کلمات
 و جنبه و در قسمت سرد و خشک و در کوز و در برج سبده و دلات
 در درجه بر درم بلند قامت و سیر مرد و حکیم دانا و زنگ بر قیون و طعم
 شور و کمره فسون و عیش دله و در طب و دست راست آن در
 و لعی و سر کین و اینم دگره و استر و فرس و مرغ چرخ و ایند و این
 در سو و بازر و تخنق و در بدن در درجه شنه و شب جمعه و ماه ربیع
 در درجه ۳۰ در حرقات حرف عین و عدد صفر آن
 ۱۶ و عدد کسیران ۳۰ و کلمات آن ۳۰ در خانه ۱۶ شرف
 شرف در ۴ کس و در ۳ حد و در ۱۴ شنه در ۱۵
 عدد در در
 نایله در حرقات ۳۰ کلمات

به نظر حرف درده نه سر چهار شکل که ۱ ۲ ۳ ۴
یک حرف درده هانت که در درزه شده کمتر ندرزه

ا ب ج د ه و ز ح ط
ح ط ذ ی ض ک ظ ل ع م ن

س ع

ازین جهت دایره مشته را دایره حرف گویند تقسیم در

د حرف اتشی	حرف بادی
ا ب ج د ه و ز ح ط	ب و ی ن ص ت ض
حرف رانی	حرف فانی
ج ن ز ک س ق ت ظ	د ح ل ع و ح خ

د ایضا ۲۸ حرف را به ۱۶ شکل بین ترتیب قسمت کرده
باینهمین یک حرف از اول ابجد و یک حرف از وسط ابجد

۱۱

این کتاب در سال ۱۱۸۰ هجری قمری در شهر تبریز در روز ۱۰ ربیع الثانی در منزلت منتهی الین کاتب شده است

در اول الف در ع ا ح ۱ در جیم ب در ع ا ف
در یتم ج در ع ا ص ۲۰ به ل حال بر این قیاس است

ا ب ج د ه و ز ح ط
ح ط ذ ی ض ک ظ ل ع م ن

نایده شرف نظر است که در خانه خود سخن شرف نظر است
در خانه خود در دایره سخن حد شرف نظر است در دایره حد دوم
شرف نظر است در دایره چه مشته شرف نظر است در دایره مشته
سخن را با حق است بعد و ابوح را چهار قوت و حد را سه قوت
ح قوت و مشته را یک قوت و در مقابل شرف و یکی از طرف
بعد و در مقابل حد دوم و مشته صنف بعد از شرف بر خط نیک
بعد هر شکی که در خانه خط داشته باشد نظر را در آن خانه صدق
گویند هر شکی که در آن خانه خط نداشته باشد نظر را در آن خانه

۱۲

کاذب گویند و گولہ دشت ہر عبارت از قوت و حفظ ثقلات
 در خانه سخن و شہ قریب ثقل از ثقل ثقل نیم ثقلات
 و شہ بعد از زدم ثقلات و ناظر قریب ثقل نیم ثقلات
 و ناظر بسید ثقل نیم ثقلات فایده از ثقلات
 کہ در خانه اول آید ثقل ہم کوکب کہ منسوبت گویند فذل کوکب
 در برج صہرت مشدد در اول آید گویند شہرت در
 و کوکب در اول آید گویند کہ قہاب در شرف است بقدر
 حکم کوکب در برج حکم کنند

ناید از مزیت برت شہرت لاند لطفی تصور در
 خانه ہنر طالع و سکون و حرکت در نفس سہ و سن و جان بقا
 و اغاز کارہ و در سہر در سہج و سہر و در سہر و سہر و سہر
 و کیفیت آن و طلق و دلت و در دلت و در دلت و در دلت
 و در دلت و در دلت و در دلت و در دلت و در دلت

بہ بشرق مطلق و بہ برج صہر و زو کوکب بکب مزاج مزاج و بہر تہر مزاج
 و زو قاتم باقیم ہنر و زو فضول مزاجیت الترتیب بہ ہنر و مزاجیت المزاج
 بہ تہر و زو خانہ را موصوفہ الایمان و حوائج

خانہ صہر خانہ ہنر و سہر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر
 و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر
 آن کوکب در سہر و دلت و دلت و دلت و دلت و دلت و دلت و دلت
 خصوصاً اجزات ہنر و سہر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر
 و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر
 اکل گویند خانہ سہر و حرکت و سہر

نزدیک و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر
 ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر
 سہر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر
 سہر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر و ہنر

در سہر



جزا و ملک نظر و اقیقم نیم و بقول ایتم ششم بطرف جنوب و بقول
بسمت شمال و بهشت این خانه صح حکم درست نزلت

۱۱-۱ خانه چهارم دلالت دارد به پدر و مادر و عمه و ملک و مقام و عزت
امور و سخن و عمارت و زرعیت و صنایع و عقار و پدر و مادر که در
ایشان مفارقت افتاده باشد و قلع و حصار و بدین دانستار حویات
و عاقبت کارها و بسمت قبله و قطب جنوب و برج سرطان و غیر
و اقیقم چهارم و بقول پنجم با اقیقم هشتم در عقاب نشان دستها دیده است
و در است رست و معلوم است و این خانه جداول است

در این خانه معلوم است

۱-۱-۱ خانه پنجم دلالت دارد بطرف دلم و لب و محبوب و همینه و خبر و
و حظ و فرزندان و مسوق و کله و شرب و صدق و کذب و خیار
و ثروت جهانیه و لذت روحیه و کمر و پشت و معلوم است و اقیقم
۱-۱-۱ پنجم و برج است خانه ششم دلالت دارد بسلطان و محبت

برج است

و سایر و خبر و عقاب و احوال بهنگان و احوال کم شده و کوشه و چاربان
و اقیقم ششم مطافه در عقاب ناف و ششم و اقیقم ششم و برج است

۱-۱-۱ خانه هفتم دلالت دارد بر زنان و عیال و دروان و شرکات و عرض
و خصوصیت و طفر و خانه مطلوب است در کم شده و در عقاب و بهترین در
ناف و اقیقم هفتم و برج برین خانه هشتم دلالت دارد بر خوف
و خطر و برت و مال غایب و مال برادرش و قرض و قیسه در رسیدن
اندوه و کینت و باطل شدن چرخها و بیت المال و از اول و شکرگاه
و از عقاب نشان معقد و رحم دلالت ثروت و ثمانه و اقیقم اول

۱-۱-۱ برج عقاب خانه نهم دلالت دارد بر فقر و دروین
و نه امید و عقاب و خواب و تعبیر خواب در راه و در سفر و لطف
و کینت و غنا و فقر و قدم غایب و از عقاب نشان بر زنان و در
و اقیقم جمع و برج و این خانه برادرش از اول و همینه

پایه خانه یازدهم دلاوت در در بر ملک و سلطنت و عزت و جاه و کسب و تجارت و شرف
و عشر و حکومت و احوال و دران و زر و عماران و ساق و قدیم و بیج
صبر و این خانه میراث از خانه نهم و چهارم دردد

پایه خانه یازدهم دلاوت در در بر رسید و سعادت و حال و رسان و مال و برکات
و سعادت و در وزن و در کردن و بیت السدین و خلفاء و درازا و در بیان
ایشان و احوال عشق و عجز و دانستن در رسان و صاف و کاد و اقیتم
چهارم و بیج و در این خانه میراث از نهم و ششم ستاند

پایه خانه چهاردهم دلاوت در در در عثمان و زند بنان و چهار ماهان کرد
در سفر و درون و درض کنش و صبر و در کفار و در عمر و در دست
و بیج حوت و کوب شمر و اقیتم و نهم و بیض اقیتم ششم دران را
ایشان و این خانه میراث از خانه ششم و ششم ستاند

خانه یازدهم

پایه خانه یازدهم خانه طالب دلاوت بغیر در در بر سر سلسله و طالب و اسرار
و نفع و اهداث جرایم و خجایت و صدق و کذب اخبار و خوشایند در سفر
و ران و حب و این دردد و این خانه را این الامر شایسته گویند و میراث
از نهم و درم ستاند و کوره است از خانه اول و نهم و نهم

چهاردهم دلاوت در در بر سلوک و مسؤل و مصلح و مانع و حرکت مجهول
و دراب و ساق ایشان و این خانه را مقصد اکاشیا و در سعادت
المرم گویند که نیجه از مهمات است چه خدمت این خانه زراعت است
و اصد و میراث خانه یازدهم دلاوت دردد

بر فوج اگر و احوال المورث کجا اقسایا و امورات فخره را ازین
خانه است ساط و استخراج کنند که مگر عقلم و مسدن و سبدا و حواد
و این را امیران المرم و نیجه المورث و فخر و حکم سلطی گویند
و میراث از خانه ۱۳ و ۱۴ ستاند و زر و عماران و ساق و حب

خانه ششم دولت در در ترک و وقت دامت امر دولت و عوق است
 کتا و حفظ لهذا عاقبه تعاقبه کنند و این خانه را سالن الامرات کهنه
 در حتام بریت نیز خانه را منظر درنده حفوی در علم خانه چهارم در غفار
 این کهنه سنین تا پانزده دلازه است بر چهارم و ششم در نزد هم فایده
 درین خانه چهار خانه را دند کنند ۱ و ۳ و ۴ و ۱۰ و ۱۱ کج اقراس
 نیز خانه اول بعد عشر بعد سبع بعد رابع است و دولت بر حال
 دای و دایم درود و چهار خانه های اوله کنند که اوله شوند
 کجا اقراس ۱۱ بعد ۵ بعد ۲ بعد ۸ درین خانه دولت کت
 رستقر عشر است و سبع و چهار خانه زین اوله کنند درین
 ضعف بر تندی ۳ و ۶ و ۹ و ۱۳ و دولت در زین بر هفت است
 دایم و چهار باقی را زواید کنند و شولام بر سه خوانسته آنها ۱۳
 و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و دولت در برابر الف و سنین و ۱۳ کرده

در این اول در پنج است و در چهارم در پنج است و در پنجم در پنج است و در ششم در پنج است

در پنج

در این خانه چهار خانه را دند کنند
 در پنجم در پنج است و در ششم در پنج است

دم طلوع خانه هفتم و ۱۴ شریک دلازه ۷ و ۱۵ شریک دلازه
 ۱ و ۱۶ شریک دلازه چهارم است و بیف خانه ۱ و ۲ و ۳
 و ۴ این چهار خانه را دند کنند و خانه ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ را دند
 کنند و خانه ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ را دند کنند و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵
 و ۱۶ را زواید کنند و بیف این خانه است خانه را دند کنند
 ۱ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و چهار خانه را دند خوانسته خانه
 ۲ و ۶ و ۸ و ۱۳ و خانه را دند اقراس و خانه را دند قطرا ضعف
 کنند و در خانه ها خانه ناز است ۱ و ۵ و ۹ و ۱۳
 و بیف خانه در ۲ و ۶ و ۸ و ۱۳ و بیف خانه آب ۳
 و ۲ و ۱۱ و ۱۵ و بیف خانه خالک است ۴ و ۸ و ۱۳ و ۱۶
 و خانه دلقطه ها را در مخصوص نه بنظر و خانه دلقطه ها را در بنظر
 و خانه دلقطه ها را در با اتصال و خانه دلقطه ها را در فاک مخصوص نه

بفضل و منع و هر یک ازین لغات محتاجه بکسر و عقد حسنت که رزق
در نقطه زود و هر شرف و عقد است در رزق از رزق و هر شرف

ناید عروقات خانهاست از فوق یا خان اول خان دوم
ف ک

۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳
ل م ن س ع ف ص ق و ش ت
۱۴ ۱۵ ۱۶
ث ح ذ ناید خانهاست از رزق زود

و خانهاست بر میزان زود از رزق است و خانهاست بر میزان رزق
و خانهاست فاکه میزان رزق از رزق است بر حکم مدطن و هر یک را
از میزان بهتر میکنند و حکم قصه و هر نفس را از میزان آب و حکم

مازگان و سوزان در بار از میزان مادر و احکام رعایا و عوام بنظر
و شهرها را از میزان فاکه سر کنند ناید جانم شکل

طبیعت بوی بریت را طبیعت بوی چغنه شکل را مرکز بوی بریت
بوی بریت

بوی بریت بوی بریت اعتبار که مرکز شکل است که شکل نقطه بوی رزقانه بوی بریت
و هر جنس بوی بریت و فاکه مرکز بریت بوی بریت اول و دوم و پنجم
و هر چه که بوی بریت و هر نقطه ما که اندرین بریت است عقد شرف
و هر جسم بوی بریت بوی بریت که اندرین بریت است عقد شرف یا بوی
و بوی بریت بر بریت جنس بران ناید در شکل کلان

هر شکل که در فاکه خود واقع شد حروف کسر برایش بوی بریت که حروف
خانم حیم اگر احد بود عشرت گردانند و اگر عشرت بود احد
سازند و اگر عشرت بود آن کنند و اگر بایست بود عشرت
کنند ناید هر گاه شکل بوی رزقانه ده که ممکن بود

در فاکه سیم لید که ده دست و شکل بوی که صاحب فاکه بوی بریت است
در فاکه پنجم بر لید که سوزان آن بر شرف این نادر است
بر آمدن خایر و صدق آن ناید آنچه در بر شرف است

دایره عدد

کائید مزیج حطول
 سه عی دا عدد دان

دایره سکن

ایهع کطح دجلو
 من وس سکن دابرخوان

دایره حرف

احبید جزی کیه
 عط وس حرف امد

دایره مزاج که نمره و بهت

حج نکووع سید خط
 بم هنز خود مرحبت آن

دایره مثلثه

ایقع بکر جلیش دمست
 هنث وسع زعد حفص طصظ

تاعده در تقاض و کلمات است عدد کلمات که عدد
 کرده ۱۶ ۱۶ طرح می کنند آنچه باقی می ماند در افعال است در تقاض
 گویند در غیر این کلمات گویند عدد صغیر شکل در دایره لایح بود
 شکل است در خانه خود شریک در شکل اول است و به شکل اول
 اما عدد کبیر شکل است در دایره لایح بقیه در شریک است

نقطه با راه در نقطه آب را چهار و نقطه خاک را هشت حساب
 در پنج تیر ۲ در پنج با راه ۴ در پنج آب ۸ در پنج خاک را
 ۶ حساب میکنند مشدیدی که عدد کسیر آن ۲۹ باشد
 ۶ طرح کرده ۱۳۱ باقی سرمانی عدد در ارتفاع است در پنج
 که عدد کسیر آن ۲۲ است ۶ ارفع کرده ۶ عدد انحطاط
 بقی اندک است اگر زوایای رزغانش همان عدد ۲۲ باشد
 عدد در ارتفاع یا انحطاط است مشدیدی در طریقی که ۱۵ است
 بعینه عدد در ارتفاع و انحطاط است

نایده نوشته اند در کسین در ترتیب نقطه لیدج ۴ در زوایای
 مشدیدی کسین طول ۴۴ در زوایای عرض ۳۴ در زوایای عرض
 چهارم در زوایای ساد ۱۱ در زوایای طول در زوایای لیدج است
 که کسین لیدج عدد کسیر آن ۱۶۱۶ طرح کرده
 سه در

هر چه مانده عدد طول فاصله است که در زوایای افزون باشد و اگر در زوایای
 نقص باشد از در طرح کرده باقی عدد فاصله بود بشرط ۱۶۱۶

۱۱ در زوایای عرض و قاعده این در زوایای است که عدد کسیر آن ۱۲۱۷
 طرح کرده اگر در زوایای بیشتر باشد باقی عدد فاصله بود و اگر افزون بود
 یا را طرح کرده باقی عدد فاصله بود نیز عدد عرض فاصله است

۱۱ در زوایای عرض است که ۱۱ طرح کنند که افزون باشد باقی عدد
 عرض فاصله است و اگر بیشتر باشد عدد کسیر آن ۱۱ باشد بعینه عدد عرض
 و این در زوایای سماه مداره خط در زوایای عمده است

۱۱ در زوایای سماه مداره است که نقطه زوایای در حساب لیدج نزد کسین
 زوایای عمده در زوایای کسین باشد و باقی شکل را این قیاس نیز است
 یک و پنجاه و پنج است و پنجاه و پنج را عم حساب میکنند همان عدد ساد است

دائره تسکین طول

ج	ک	ط	ح	ز	ر	و	ح
۳۳	۲۹	۲۶	۲۶	۲۵	۲۳	۲۱	۲۰
۳۳	۲۹	۲۶	۲۶	۲۵	۲۳	۲۱	۲۰

این راه و طول
کرده بنام او در
دائره تسکین

دائره عرض

ج	ک	ط	ح	ز	ر	و	ح
۳۳	۲۹	۲۶	۲۶	۲۵	۲۳	۲۱	۲۰
۳۳	۲۹	۲۶	۲۶	۲۵	۲۳	۲۱	۲۰

دائره عمیق

ج	ک	ط	ح	ز	ر	و	ح
۳۳	۲۹	۲۶	۲۶	۲۵	۲۳	۲۱	۲۰
۳۳	۲۹	۲۶	۲۶	۲۵	۲۳	۲۱	۲۰

کند طریق گفتند و در آن نقطه است او را عرض به

این راه و طول
کرده بنام او در
دائره تسکین

دائره معاد

ج	ک	ط	ح	ز	ر	و	ح
۳۳	۲۹	۲۶	۲۶	۲۵	۲۳	۲۱	۲۰
۳۳	۲۹	۲۶	۲۶	۲۵	۲۳	۲۱	۲۰

دائره قطبین

ج	ک	ط	ح	ز	ر	و	ح
۳۳	۲۹	۲۶	۲۶	۲۵	۲۳	۲۱	۲۰
۳۳	۲۹	۲۶	۲۶	۲۵	۲۳	۲۱	۲۰

این راه و طول
کرده بنام او در
دائره تسکین

این راه و طول
کرده بنام او در
دائره تسکین

بر آنکه در اصول حکام سبزه تا سیر نقطه است از زمان که خانه
 نازم رست و چون نقطه از زمان حرکت کند محمدان نقطه
 است را باید کرد که آن نقطه از زمان در طرف منیم باشد
 ۳۱ مرده یا بطرف ۱۲ زمانه ۴۱ مرده از جهت
 ۵ عبور حرکت از سمت آنها بر کرد و کور در فاعل
 در باید و در خانه خود مهر شو به سبب که نقطه
 در خانه نازم و نقطه با هر در خانه با در درم خان آید و
 دلالت کند بر سارت و حصوله مرود و لازم است که شقی
 مد خط به سارت و حرکت شکل مهره را در وقت که
 آن شکل که مهر شو از ضرب شکل خانه مهر تا شکل مهر
 فاصله حکم از سیر نقطه آن باشد که اقر نقطه به خانه
 و مهر شو شکل که در آن خانه است با شکل که در آن

نقطه مهر را نقطه حکم را نقطه سبزه را نقطه سبزه را
 در وقت که در آن خانه است با هر در خانه با در درم خان آید و
 دلالت کند بر سارت و حصوله مرود و لازم است که شقی

خانه است در در زره هیچ ضرب کنند در زین شکل حادث و در آن
 وقت و ضعف نقطه حکم کنند چه مکرر شکل نزد جمیع است در آن
 معتبر است و سیر نقطه مهر معتبر است که طریقی و جهات در زمان باشد
 و الا احتیاج بقاعده علمه دردد که طولند است نایده در نقطه
 در زین شرط است که ۶۱ شکل باشد چهار شکل چهار شکل در شکل در آن
 کمتر در زره از آن باشد در نقطه از زین رطوف منیم رده در آن
 شکل نقطه یا در نقطه در در آن فرمایند بر دردد که در تمام ۶۱ شکل
 چهار شکل صاف شو و در زره شکل از زین ۴ شکل حادث باشد
 و بخانه نوشته نه ریجه رس همچون همان در زمان شکل نقطه
 آن در شکل ۱۳ و ۱۴ محذور است در حرکت نقطه حکم حرکت کوکب
 دردد در جهت در استقامت در در سیر حکام و کور نقطه حکم
 رست حرکت کند شریقه باشد و بعد اقبال بود و کور لطف

در زین شرط است که ۶۱ شکل باشد

جب حرکت کن غیب باشد و بعد انفضال بود و گوید هر چه
 حرکت کند در هر انفضال در آخر اتصال بود یا بکنس بعضی
 گفته اند شکر شکر و غیره را بهم ضرب کنند شکر عادت بود
 در احوال احوال بود شکر است و الله غیب است و گویند نقطه
 در طرف شرق رعد منور از قوت ضعف رعد در از طرف
 غرب مشرق رعد در ضعف قوت آمده

نایده نیز نقطه در فضا عا کانه بهار نوع است اول سیر
 طبیع و آن است که نقطه ناز در فضا ناز سیر است
 و خانه ناز ناز شرف و در آنجا ناز در صورت احوال نقطه سود
 و مطلب است در دست مراد و تعیین است نقطه هر گوید
 که منسوب نمونی کردش آنکه در حالت است در ۱۲
 سجده بر جراه در چند وقت طریقی همان است را
 نقطه در رهنه

نیز طریقی را با حاشیه غیب نشاند شکر عادت بود از احوال لغوی است

به نقطه در رهنه و آن است که نقطه ناز در فضا ناز
 آب در فضا آب و نقطه خاک در فضا خاک که اینها سیر
 طبیع نقطه است و عدالت خوب است نوع هم حقیقی
 و آن است که نقطه ناز در فضا ناز سیر است در رهنه شرف
 یا نقطه ناز در فضا ناز سیر است یا نقطه آب در فضا
 خاک سیر است یا نقطه خاک در فضا ناز سیر است اینها سیر
 حقیق و عدالت رسالت و حصول مطلب در

نوع سیر سیر بود و آن است که نقطه ناز در فضا ناز
 سیر است و خانه آب ناز شرف یا بکنس در صورت عدالت سیر
 نوست و لا حصول مطلب در نوع چهارم
 سیر همان است که نقطه ناز در فضا ناز سیر است
 در رهنه شرف یا نقطه خاک در فضا ناز سیر است و آن است

نقطه را در درخشا را به سیرک یا با بکسر در صورت اول است
 برخواست و لا خصوصه سطح در آما کاه بر شقت نقطه سطح
 برآمده سرف و درشته نه در سرف نقطه به آمد نقطه بر آن سطح
 بر آنهم سرف و عاقر بعد وقت عمل از نقطه بر آن کلام
 که اقر است الف سرف اقر عارت از است که در عرض
 خود زود آید و لغو در عرض سرف که رخسار طبع ادوات
 اورا مگذرد و نقطه سرف را سرف هم

ناید انتراج نقطه که قسم است اول موازی جسم
 صادق سیم نسلم چهارم مخالف او نوبت است
 که نقطه اش در مرکز اش و با در مرکز با و آب در مرکز آب
 و خاک در خاک باشد اما سعادت مانند اش و با
 و مانند آب و خاک باشد اما سلامت مانند اش و خاک
 و با و آب بود اما مخالفت مانند اش و آب و با

چون

به خاک است اما نقطه اش و با در مرکز آب خاک هر دو به
 نکته سیکه علوس سطح سرف و در مرکز خود بر شقت اما نقطه
 آب و خاک در مرکز اش و با نهک باشد نکته سرف علوس سرف
 و با سرف است که نقطه اش را با با و نقطه با را با آب و نقطه آب را
 با خاک و نقطه خاک را با اش و آب بود اما عکس این نیز نقطه اش را
 با آب و نقطه با را با خاک مخالفت و منافق در

ناید چون نقطه اش از نقطه اش که سرف سرف به سرف که سرف
 مد خط در نه که آن سرف سرف به سرف سرف سرف در در سرف
 داشته باشد گونه ضمیر از خانه مهم است یا سیکه اش که در خانه سرف
 باشد ضمیر از آن است از خطی تا اشکال قاعده سرف در اشکال
 ضمیمه است که نقطه اش سرف اول زوج باشد زوج سرف تا تمام و لغو
 نقطه فرد باشد از در اشکال را تا تمام جمع نماید و بعد از درده و درده

این کتاب در بیان احوال و عیال و طبع است که در آنجا است
 بهر آنکه در آنجا است که در آنجا است که در آنجا است

کنند آنچه بماند از خانه هر خانه تقسیم کنند به خانه در شهر
ضمیمه از همان خانه است قاعده دیگر بطریق طاعت مطلوب
ملاحظه نمایند که مطلوب شکل طالع در هر خانه باشد سه سوره و ضمیر
از همان خانه است یا اینکه از همان شکل مطلوب در زنده اثر
در علم به نصرت قاعده برابره در مع ۱۱ نقطه
که در هرگز هر آن سیر و حرکت که به شکل و متر شوق آن شکل
نمونه را با صاحب آن خانه ضرب کنند هر چه صورت اول
لکن اگر گویند علم از هر دو ضعف و قوت و سعادت و بدست
در اوقات و حاضر و یا غیر و منتهی همان شکل نامند در حسن است نقطه
باشد باید سیر و سینه به شکل و متر شده باشد شکل متر به نقطه
ضرب نمایند هر شکل و صورت شود در آن شکل از خانه همان
شکل صورت علم کنند که نقطه هر اعم و نقطه باشد را ضمیمه گویند
شماره

طالع طالع عدالت در شکل و طالع است

در خانه است

ملاحظه نماید که متر شده از خانه ۶ همان را صاحب خانه علم کنند
و عیب صاحب است که ضرب نمایند که صورت که در علم کنند

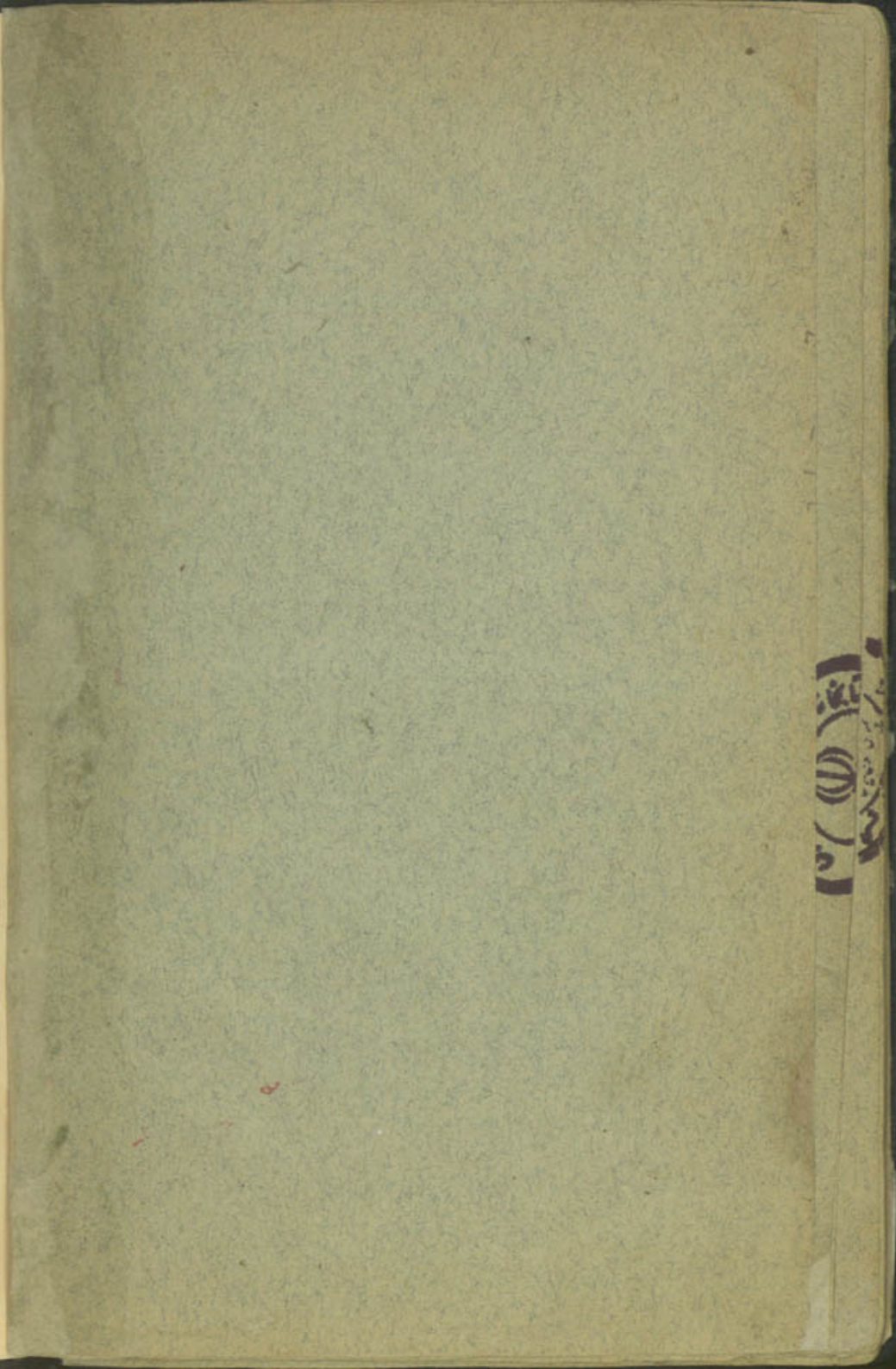
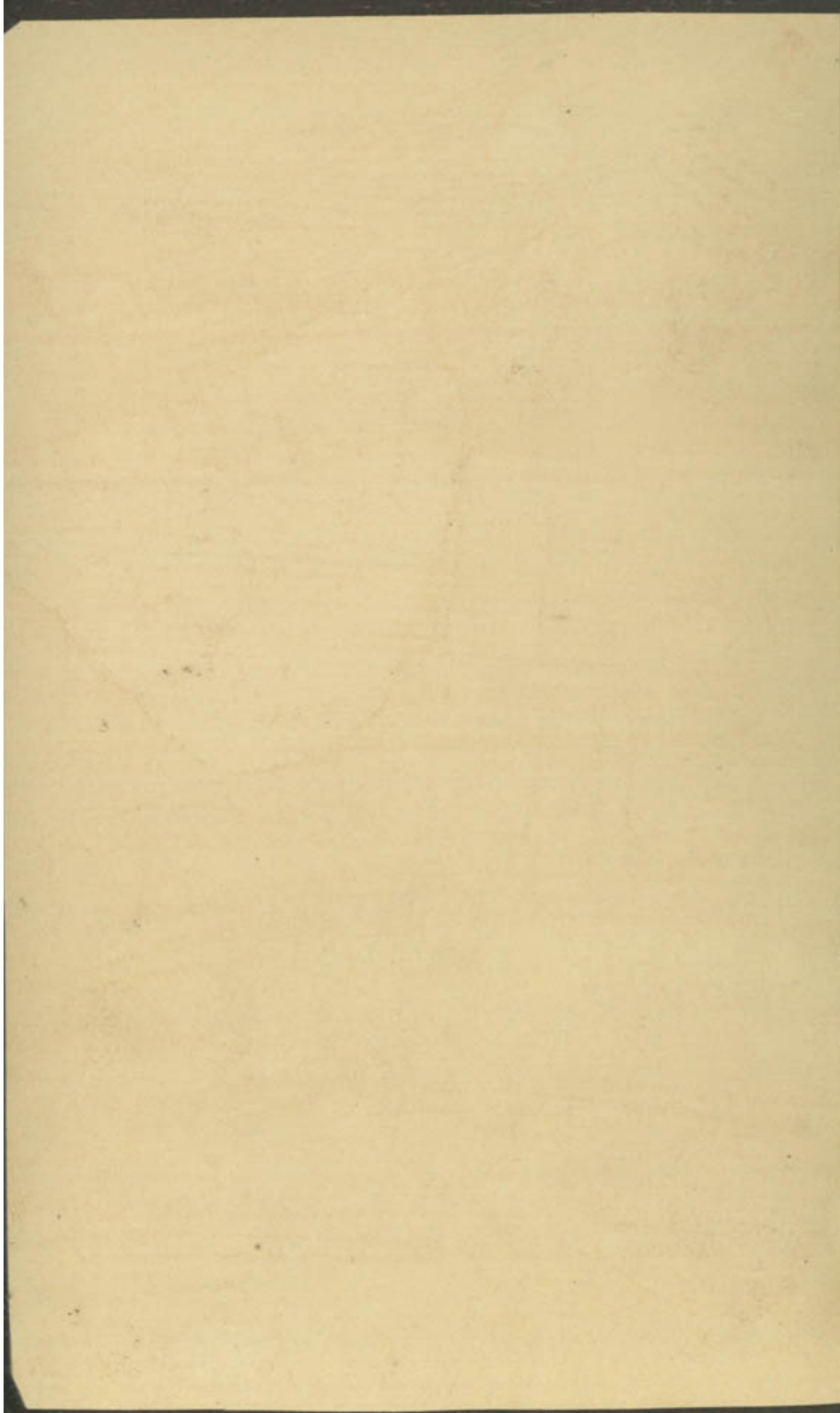
تفسیر طالع (۱۱)

منازل

ششمین ناری بطین خانه شریا خاکه دبران آبه هفتمه باد هفتمه آبه
الف ب ج د ه و
نهمین ناری طه ناری جبهه باد ذنبه باد صفره آبه عوا خاکه معال آبه
ح ط ی ک ل م ن
دهمین ناری زباناناد اکلید باد قلب باد شوله باد نغایم خاکه بلده نادی
س ع ح ت ث ص ق ر
یازدهمین ناری بلع آبه سعود خاکه اخسبه خاکه مقدم باد مؤخر باد دشا باد
ث ح خ د ض ظ ع
صحت او در که در علم خبر یافت کرده بود آنچه طالب بن متعج است موده اعمال و طریقی اعمال

تفسیر طالع (۱۱)

تفسیر طالع (۱۱) در هر خانه تقسیم کنند به خانه در شهر
ضمیمه از همان خانه است قاعده دیگر بطریق طاعت مطلوب
ملاحظه نمایند که مطلوب شکل طالع در هر خانه باشد سه سوره و ضمیر
از همان خانه است یا اینکه از همان شکل مطلوب در زنده اثر
در علم به نصرت قاعده برابره در مع ۱۱ نقطه
که در هرگز هر آن سیر و حرکت که به شکل و متر شوق آن شکل
نمونه را با صاحب آن خانه ضرب کنند هر چه صورت اول
لکن اگر گویند علم از هر دو ضعف و قوت و سعادت و بدست
در اوقات و حاضر و یا غیر و منتهی همان شکل نامند در حسن است نقطه
باشد باید سیر و سینه به شکل و متر شده باشد شکل متر به نقطه
ضرب نمایند هر شکل و صورت شود در آن شکل از خانه همان
شکل صورت علم کنند که نقطه هر اعم و نقطه باشد را ضمیمه گویند
شماره



Small, dark, circular stamp or mark on the right edge of the page, possibly a library or collection identifier.

۱۳۱۴
۱۳۱۴